



روزنامه آنلاین مازندنومه

شماره دهم - چهارشنبه ۱۷ آبان ۱۳۹۱

نشانی اینترنتی: www.mazandnume.com

یادداشت های پراکنده

امضا بزن و برو

مازندنومه: آن چه در پی آمده رنج نامه فرزند یکی از سرداران بنام دفاع مقدس و یادگار آن شهید بزرگ است که به دلیل سوء رفتار یکی از مسئولان شهرش، نگارش کرده است. نامه مفصل تر بود و ما به جهت دامنگیری نشدن ابعاد حقوقی قضیه، مجبور به تلخیص و حذف نام ها و عناوین شده ایم.

این یادگار سردار دوران جنگ به همراه مال باخته ای - که از اقوامش بود - به دادگستری شهرستان رجوع کرد و با ارائه عریضه خواستار رسیدگی به موضوع کلاهبرداری شد.

مراجع قضائی هم بعد از بررسی پرونده و اظهارات شاک، موضوع را به اداره... شهرستان ارجاع داد. به اتفاق با ساختمان اداره... مراجع کردند و به... گفتند: شخصی با فریب و اغفال پول نقد ما را ربود و گریخت.

آقای رئیس با دیدن نامه و خواندن آن گفت: این شکایت به ما ربطی ندارد و این را که شما می گوئید خیانت در امانت است و مصداق کلاهبرداری ندارد.

شاک هم گفت: این نامه را دادگاه محترم برای شما فرستاده است.

او نامه را به فرزند سردار شهیدی که همراه شاک بود تحویل داد و در جواب گفت: دادگاه نمی فهمد! فرزند سردار شهید هم در ادامه گفت: پس لطف کنید بنویسید ربطی به ما ندارد تا نامه را به مرجع مد نظر تحویل دهیم و از راه های دیگر پرونده را پیگیری کنیم.

در این لحظه و با شنیدن این جمله آقای رئیس، نامه را سریع از دست او گرفت و بلافاصله گفت: نامه برای من است و خودم جواب می دهم. فرزند سردار بزرگ جنگ گفت: بهتر است با مردم مهربان تر صحبت کنید، این مردم هستند که حقوق شما را می پردازند تا به کار شهروندان رسیدگی کنید.

رئیس با شنیدن این جمله از کوره در رفت و با فریاد او را بیرون کرد. در ادامه مجادله کلامی، ماموری را صدا زد و به او دستور داد ارباب رجوع را به بازداشتگاه ببرد.

یادگار سردار بنام دفاع مقدس، با مامور به طرف اتاق همجوار - که بازداشتگاه مجرمین بود - منتقل شد. در طول راه سالن، شخصی به رییس گفت: آیا او را می شناسی؟ فرزند شهید سردار ملی... است.

مامور برای اینکه کم نیاورد رو به آن همشهری کرد و گفت: هر کی هست برای خودش است، من امروز باید اینجا ادبش کنم! بعد از سه ساعت بازداشت یکی از همسنگران سردار شهید و سلطنت کرد و آقای رئیس خواست او را آزاد کند که رئیس هم با بی میلی و نوشتن اظهاراتی از قول فرزند شهید با این مضمون: «به رییس... شهر تو همین نمودم و تعهد کتبی می دهم این عمل زشت را تکرار نکنم» موضوع را طوری دیگر جلوه داد.

اظهارنامه را به بازداشتی دادند و گفتند: امضا بزن، بعد از امضا می توانی اینجا ترک کنی. یادگار شهید متن را خواند و گفت: «بنده به کسی بی احترامی نکردم که تعهد نامه بنویسم» مامور که دید او امضا نزده، به سمت رییس رفت و بعد از چند دقیقه با یک متن دیگر با این مضمون برگشت: «بنده فرزند شهید فلانی، در صحت و سلامت... شهر را ترک کردم.»

آقای رئیس در ادامه نام ۳ نفر از متقاضیان را به همراه شماره تلفن آنها زیر متنی نوشت که در آن آمده بود: «فرزند فلانی با رییس گلاویز شد و با صدای بلند گفت: در این جارا گل می گیرم و چشم رییس را کور می کنم...»

او این متن را صورت جلسه کرد و نوشت تا بعد از آن شکایت فرزند شهید جلوگیری کند. در ادامه فرماندار هم جلسه ای با حضور این دو نفر تشکیل داد و در این جلسه صوری، فرماندار به تعریف از آقای رییس پرداخت و با یک روبوسی مصلحتی بین این دو نفر پایان اختلاف را اعلام کرد. گفتنی است سرقت های متعدد نبود امنیت

در این شهرستان حتی به رسانه ملی نیز کشده شد و درصد بسیار زیادی از مردم معتقدند این خطه، بهشتی برای سارقان و اراذل شده است.

روز آواز و سما

برگزاری جشن
روز مازندران
در مرزن آباد



داشته اند، این باور موجب به وجود آمدن بناهای ویژه مذهبی شده است از جمله آن تکیه و سقنفر است. این علاوه بر مساجد مهمی است که در مازندران ساخته شده است. این محور تلاش دارد تا این بناها را بازنمایی کند و زیبایی های هنری و معماری آن ها را به نمایش بگذارد.

- محور ناموران

در این محور سعی بر این است چهره های برجسته مازندرانی معرفی شوند. آثانی که در رشد و کمال فرهنگ دوره اسلامی نقش به سزایی داشته اند. در این مبحث، علاوه بر معرفی علمای دینی، مورخان و دانشمندان قرن های پیشین به شناخت عالمان ربانی معاصر، مبارزان انقلابی و شهدای دفاع مقدس پرداخته شد.

شهرنشینی به بافت و ساخت تمدنی و فرهنگی ویژه نیاز دارد، در این محور به شهرهای امروزی و ویژگی های آن ها پرداخته ایم، علاوه بر این، شهرهایی در طول تاریخ وجود داشته که امروزه فقط نام و نشانی از آن ها باقی است. در این محور به این شهرهای فراموش شده پرداخته ایم. این معرفی برای بازنمایی تفکر و باورها و فرهنگ مردم مازندران است.

مراسم رونمایی مجموعه کتاب های شناختنامه مازندران عصر چهارشنبه ساعت ۱۷:۳۰ در حوزه هنری مازندران برپا می شود.

شرح کامل این یادداشت در پایگاه خبری مازندنومه آمده است.

مازندرانی و ادیبان صاحب نام مازندرانی در ادبیات فارسی از مباحث این محور است.

- محور تاریخ مازندرانی

پیشینه تاریخی مازندرانی به ویژه نقش مازندرانی ها در فرهنگ و تمدن دوره اسلامی بر کسی پوشیده نیست. این محور به مباحث تاریخی مازندران به ویژه حکومت های محلی از جمله حکومت علویان و مرعشیان می پردازد و تلاش دارد با طرح مباحثی گوناگون تاریخی، نقش مازندران را در حوادث و رویدادهای مهم دوره اسلامی نشان دهد.

- محور زبان مازندرانی

این محور درباره زبان مازندرانی و ویژگی های تاریخی و اهمیت آن در حفظ هویت فرهنگی و اجتماعی و... است. و بر این نکته تاکید دارد که زبان مازندرانی توانایی حفظ فرهنگ و باورهای قومی را دارد. یکی از بحث های جدی این محور این است که مازندرانی، زبان است یا گویش و لهجه؟ وضعیت موجود زبان، خطرات و تهدیدها و راهکارها و... از مباحثی است که به آن پرداخته شد.

- محور بناهای مذهبی و تاریخی

پس از ورود اسلام به ایران و مازندران با توجه به شرایط اقلیمی، ساخت بناها سامان دیگری یافت. مازندرانیان با پذیرش ولایت علوی و تکریم سادات، در ساخت مزار خاندان پیامبر (ص) اهتمام ویژه

امروزی و ناموران. (از میان ۳۷ جلد کتاب اشاره شده، ۳۳ جلد به زبور طبع آراسته شده است.)

در این مرحله چند موضوع به ظاهر پراکنده انتخاب شده است، تا علاوه بر پرهیز از تخصصی بودن صرف، به سلیقه های عموم مخاطبان نیز توجه شود.

* معرفی اجمالی محورها

- محور فرهنگ و ادب

این محور به موضوع فرهنگ به معنای عام کلمه در مازندران و ادبیات مازندرانی می پردازد. پیشینه فرهنگی، آداب و رسوم، آیین ها و جشن ها، باورهای فرهنگی و مذهبی و... همچنین معرفی و شناخت نویسندگان، شاعران و شعر

محوورها: در مرحله اول ۳۷ جلد از مجموعه «شناختنامه مازندران» در این محورها ارائه شده است: زبان، فرهنگ و ادب، تاریخ، بناهای تاریخی - مذهبی، شهرنامه ها (شهرهای فراموش شده و

دلیم از مازندران پر است!

افشین سنگ چاپ، بازیگر سینما و تلویزیون:

شغل من به گونه ای است که در سفرهایم کار می کنم، همان جا هم به سراغ دیدنی های منطقه می روم و تفریح می کنم. البته من کلاً عادت دارم که بین دو کار سنگین، خانه نمی مانم و برای تغییر روحیه خودم و خانواده ام حتماً به سفر می روم. سفرهایم هم معمولاً شمال است، چون در شمال محلی برای اقامت و زندگی کردن دارم. تعدادی از بستگان ما هم در شمال زندگی می کنند، چون مادر و پدرم رشتی بودند و همسر و خانواده اش هم اهل ساری هستند. من همیشه دوست داشتم برابم فرصتی پیش بیاید تا با شهردار ساری گفت و گو کنم، زیرا در این شهر ۳۳ سال است که هیچ اتفاقی رخ نداده است. فقط یک پل زده اند که آن را در بوق و کرنا کرده اند!

دلیم می خواهد یک بار هم که شده در دلدل هایم را برای شهردار مرکز استان مازندران بگویم. شهرهای زیادی را دیده ام، همه شان طی این سال ها تغییر کرده اند، ولی در ساری نه یک پارک اضافه شده و نه یک سینما. شاید مهم ترین تغییرش افتتاح چند شعبه بانک بوده و زدن چند بیلبورد! این مرکز استان فقط دو یا سه خیابان شیک دارد که تفریحگاه جوانان منطقه است و دیگر چیز خاصی ندارد. تفریحگاه مردم ساری همان طبیعت خداست که کسی برای آن کاری نکرده است. به نظرم وضع ساری بد است، این در حالیست که از وقتی گرگان مرکز استان شده، چند میدان، تفریح گاه، آبشار و پارک در آن احداث شد ولی مازندران اصلاً این گونه نیست. من از وضع فعلی ساری شکایت کردم، اما می خواهم جایی جالب را هم معرفی کنم و آن جاده کیاسر است. البته به این جاده زیبا و توریستی هم رسیدگی نمی شود. نکته دیگری که در مورد ساری وجود دارد این است که این استان با سمنان هم مرز است. جالب است که دقیقاً از جایی که وارد مرز سمنان می شویم تابلوهای بزرگ خوشامدگویی را می بینیم و از همان جاده، دقیقاً جاده ی خراب مازندران، درست می شود! اگر چه سمنان کوپری است اما آباد است.

چه بگویم که دل من از مازندران بسیار پر است! عاشق است و خدا کند همیشه چنین سیل هایی به ما رو کند. گوران ادامه داد: یک قطعه مثنوی برای انارستان به شهر ساخته ام و چون سال ها درس و مشق و کارم با آب بود، در این مثنوی که به من الهام شد با گویش آب حرف زدم. وی با بیان اینکه این بلارا ما ایجاد کردیم، یاد آور شد: به سیل و رودخانه کار نداشته باشیم، به آنهایی برسیم که با ما چنین می کنند.

چهارشنبه ۱۷ آبان ۱۳۹۱ | ۱۸ تیر ماه ۱۵۲۴ تبری | صفحه اصلی | یادگست | نظر سنجی

مازندنومه

پایگاه خبری - تحلیلی مازندران

مردم از سیستم بانکی رضایت ندارند

قرار گرفته است. این بار پرسیده ایم: با توجه به عملکرد مدیران کنونی استان: میزان نقدپذیری و سعه صدر مدیران بومی را در قبال مطالب رسانه ها چه اندازه می دانید؟

۳۲۲ نفر به این سؤال پاسخ دادند که از این میان ۵۲ درصد، گزینه آخر را انتخاب کردند و اصلاً از سیستم بانکی رضایت نداشتند. (صفر درصد) ۲۳ درصد دیگر ۲۰ تا ۴۰ درصد و ۷ درصد نیز ۴۰ تا ۶۰ درصد از عملکرد سیستم بانکی کشور اعلام رضایت کردند.

۴ درصد دیگر (هرکدام ۲ درصد) بین ۶۰ تا ۱۰۰ درصد از عملکرد سیستم بانکی رضایت داشتند.

در نظرسنجی پیشین این سؤال را از مخاطبان پرسیدیم: اگر از بانک ها تسهیلات گرفته اید و با آن ها کار کرده اید، پاسخ دهید: میزان رضایت شما از سیستم بانکی کشور چقدر است؟

۲۲۲ نفر به این سؤال پاسخ دادند که از این میان ۵۲ درصد، گزینه آخر را انتخاب کردند و اصلاً از سیستم بانکی رضایت نداشتند. (صفر درصد) ۲۳ درصد دیگر ۲۰ تا ۴۰ درصد و ۷ درصد نیز ۴۰ تا ۶۰ درصد از عملکرد سیستم بانکی کشور اعلام رضایت کردند.

۴ درصد دیگر (هرکدام ۲ درصد) بین ۶۰ تا ۱۰۰ درصد از عملکرد سیستم بانکی رضایت داشتند.

نظرسنجی تازه ما نیز از امروز در دسترس کاربران

یادداشت‌های پراکنده

اسب‌های شهرم، دلتنگ دریا بودند

آذین ساداتی، عضو انجمن مجسمه‌سازان ایران و مدرس دانشگاه:



هر شهری خصیصه‌ای از معماری را برای سهولت زندگی به دوش می‌کشد، مانند بادگیرها در یزد، فرم گنبد‌ها در شهرهای مختلف و...

مجسمه‌هایی مانند معماری در هر شهری به ساختن هویت شهری می‌پردازند، چرا که چشم و قوه باصره اولین نوع برخورد هر انسانی با محیطش است.

در این راستا همیشه عوامل و شخصیت‌هایی غیر از هنرمندان نیز تعیین‌کننده هستند، مانند روان‌شناسان، روحانیان مذهبی (در هر کشوری بر مبنای مذهب همان کشور) و تاریخ‌نگاران؛ مثلاً نمی‌شود مجسمه‌ای از یک قاتل را به عنوان سمبل در یک شهر نصب کرد یا مثلاً ساخت یک سمبل و الهه‌یونانی در کشوری غیر آن فرهنگ بی‌معنی است. همچنین امکان ندارد در کنار کلیسای نتردام پاریس، مجسمه‌ای از یک فرد ضد مسیحی ساخته شود، چون خاصیت آن محل بر این مینا نیست.

عواملی که ممکن است در وهله اول یا نام‌نظران به ذهن یک ایرانی یا ایران‌شناس متبادر شود، این‌ها هستند: دریا، برنج، باران، علویت، نارنج، گنبد، مساجد و امام‌زاده‌ها، چتر و...

و نیز:

نور با نیما

بابل با شهر بهار نارنج و مرحوم نوشیروانی

قائم‌شهر با نساجی و جدیداً با نام بهداد سلیمی

بهشهر با غار هوتو

عباس‌آباد با عالمان

دیگر شهرهای استان نیز هر کدام یک یا چند شاخصه اصلی دارند، ولی متأسفانه هنوز خبری از ساخت مجسمه‌های با کیفیت و ماندگار در این شهرها نیست.

در مرکز استان -ساری- عبدالحمیدداراب -خیر بزرگ- و دیگر شخصیت‌هایی چون او می‌توانند برند باشند، اما نام شان تنها با تابلویی ارائه شده است.

این اواخر یکی از اعجوبه‌های مجسمه‌سازی کشور، زنده‌یاد بیژن نعمتی شریف‌را از دست دادیم. او متولد قائم‌شهر بود، ولی گمان نکنم مسولان قائم‌شهر او را بشناسند. چه برسد به اینکه از او کاری در شهر و استان داشته باشند. اگر هم سفارشی از طرف شهرداری‌های محترم باشد، به افراد متخصص سپرده می‌شود (تابه حال این‌طور بوده) نظیر زن بارفروش و مرد رفتگر بابل، سبد میوه در کنار پل تلار قائم‌شهر یا المان نصب‌شده در میدان امام حسین ساری که نظیر آن چندین سال قبل در میدان شهدا ساری بود!

یانام خیابان طبرستان ساری را به مطهری تغییر دادند، ولی مجسمه استاد مطهری در میدان معلم نصب است.

از این قبیل مجسمه‌ها در مازندران به وفور دیده می‌شود که نه در حد اسم آن میادین اند، نه مجسمه‌اند و نه اثری که در حد نقد باشند.

آیا مسئولان زیباسازی ما تابه حال در گالری زیبا سازی تهران قدم‌گذارده‌اند؟ آیا با سمپوزیم و دوسالانه مجسمه‌های شهری آشنایی دارند تا ببینند آنچه که هنر امروز ایران نام دارد چیست؟ آیا به خاطر کمیت باید کیفیت را نادیده بگیریم؟

من که به لطف خداوند فقط یک بار به واحد زیباسازی شهرمان رفتم، آن موقع که نه بخش حجم داشت نه نقاشی و نه کارشناسی آکادمیک مرتبط با این رشته. نهایتاً افرادی که مجوز آگهی‌های ترحیم خانواده‌ها را بر بیل‌بورد و تابلوهای شهری می‌دهند، افسوس.

امروز را به یقین نمی‌دانم، چقدر پیشرفت کرده است، اما این روزها شور و حال خوبی را در آسفالت کردن شهرم -ساری- می‌بینم. دست‌شان درد نکند، این چند قدم‌کوچه‌ما صاف شده است، اما از شهردارمان می‌خواهم نه فقط به زیر پای مان بلکه مواظب چشم‌های مان هم باشند.

آثار خوب و در خور در شهرمان چشم‌ها و اذهان را باز می‌کند و حتی اگر چندین دهه هم بگذرد، مانند اسب‌های تنومند شهرمان، می‌مانند. آنها دل‌شان دریا می‌خواست تا در شمالی‌ترین میدان ساری نصب شدند. این نیز جای قدردانی دارد که یکی از فاکتورهای هویت‌های شهرمان را پاس داشتند.

نمایشی در آب

... و دنیا هم از یک پیچ متولد شد

نمایش (... و دنیا هم از یک پیچ متولد شد) هر روز در دو سانس ۱۷:۳۰ و ۲۰ در مجتمع ارشاد بابل اجرا می‌شود.

علاوه بر مژده قربانی -کارگردان- و پونا معالی -نویسنده- مهدی سقا که سرپرست گروه آد است، در این نمایش به عنوان بازیگر و طراح صحنه فعالیت می‌کند.

بر اساس این گزارش، گروه تئاتر آد از تابستان ۹۰ فعالیت خود را آغاز کرده و تاکنون نمایش‌های «خبر مرگ من»، «به سلامتی جاده»، «حشره» و «پرفورمنس «قلم-مو» را تاکنون روی صحنه برده است.

نمایش (... و دنیا هم از یک پیچ متولد شد) کاری است که از نظر فرم اجرا دارای شکلی تجربه‌نشده در تئاتر مازندران است؛ در این نمایش بازیگر در آب قرار دارد و تماشاگر در سکوهای که امکان دید از بالا را بر صحنه میسر می‌سازد می‌نشیند و کار را می‌بیند.

به گزارش مازندنومه، این نمایش دارای فرمی انتزاعی است و بیشتر بر فضاسازی تأکید دارد و شاید بتوان گفت که اتفاقات دراماتیک در این کار به گونه‌ای نو ایجاد می‌شود، به شکلی که اتفاق دراماتیک در قالب فضاسازی و در ذهن مخاطب



شکل می‌گیرد.

آنچه که بسیاری از تماشاگران پس از خروج از سالن به آن اشاره دارند این است که اذعان دارند انگار یک خواب دیده‌اند!

مژده قربانی قبلاً در نمایش‌های متفاوتی بازی کرده و این اولین تجربه‌ی کارگردانی اوست که حاصل آن نمایشی متفاوت از سایر نمایش‌هایی است که حداقل در مازندران پیش از این دیده نشده است.

این نمایش تا ۲۰ آبان ماه در مجتمع سینمایی بابل روی صحنه است.

مختاباد: به دلیل تداخل برنامه‌ها نیامدم



مازندنومه: در پی یادداشتی انتقادی که به دلیل حضور نیافتن دکتر سید عبدالحسین مختاباد -خواننده و آهنگ‌ساز ساروی- در مراسم گلریزان به نفع سیل زده‌های بهشهری نوشته شد، وی توضیحاتی به ما و مخاطبان ارائه داد.

مختاباد گفت: آقای فرهود جلالی کندلوسی چندین روز قبل از شروع برنامه به من اطلاع داد که چنین برنامه‌ای در ساری برگزار می‌شود و از بنده دعوت کرد در این مراسم حاضر شوم اما در آستانه حرکت به سمت ساری با پیامک اطلاع داد که تاریخ و زمان برنامه تغییر کرده است.

وی با بیان این که برنامه‌های من دو تا سه ماه زودتر بسته و نهایی می‌شود و امکان تغییر آن وجود ندارد، تصریح کرد: در روز ۱۱ آبان ماه، همان ساعتی که گلریزان در ساری برگزار می‌شد من در تهران برنامه داشتم که از چند ماه قبل قول داده بودم و نمی‌توانستم کنسل کنم.

این هنرمند مازندرانی با اشاره به این که نمی‌دانستم در مراسم شهرداری استاندار و دیگر مسئولان دعوت‌شده، تصریح کرد: پس از اجرای برنامه در تهران حدود ساعت ۵ عصر با شتاب به سمت ساری آمدم تا در جشن شهرداری شرکت کنم و وقتی رسیدم فقط فرصت تعویض لباس داشتم و فوری خودم را به مکان برگزاری جشن رساندم.

مختاباد در بخش دیگری از توضیحات خود با اشاره به این که خودم برای نخستین بار پیشهاد برگزاری کنسرت را به نفع سیل زگان

خوشه‌های خشم به مازندرانی



بینه. مه‌ما آخر آسمون رنگ بیرسه و میه‌تون، که خله توم، تموم وهار، اون بالا هراثیت بینه، بیات بینه.

هر روز افتاب نو برسی کندمون ره سوزنی‌یه تا اونجه که اتارش رنگ مغز سرنیزه‌تون سر سوز بیه. میه‌تون دیار بینه. و پیی هاگردن سر سعی نکرد دور بینه. علفون شه پشیمونی سر سیوسوز لباس تن دکرده و دیگه گت تر بین جا په بمونسنه.

بنه سر سخت بیه و اتا نازک و سفت ولگ وه ره دیوشنی‌یه و همین که آسمون رنگ بیرسه، بنه رنگ هم در بورده، سرخ نواحی، صورتی و خری نواحی، اسبه بینه. کلون دله که وارش بکنی بی‌یه او شیه و اتا غبار پرس کرده و بخوشته کیله‌تون دله روش کشیه.

صحرائی گلون و میجله خارون رزوهمنون ره دکش کردنه. اتا پت افتاب که اتاپه روز تابنیه، جوون کندم ولگون بیگون وار سختی ره داغون کرده.

ولگون لس لس شه دله پتنه و اون گدر که وشون اصلی رگه‌تون تا بی‌یه تموم لسی و لختی جا بنه کتنه. بعد ژوئن هارسیه و افتاب وحش تر بتابسه، کندم ولگون سر قهوه‌ای رنگ مغرون گت تر بینه و وشون اصلی رگه‌تون رو چر بینه، هی دله علفون، ریشه‌تون دیم فیتله بینه. هوا ملایم بیه و آسمون بی رنگ تر، و هر روز بنه رنگ بیرس تر بی‌یه.

خطون سر اراهه‌تون راه‌دله، اونجه که چرخون بنه‌ای ره اسبون سم جا بکنتی بی‌یه. به ره سوسنه، بنه ولگ اشکسه و خورد بی‌یه. هر جمبنده‌ای گردوغبار هوا کرده.

پیاده‌تون اتا نازک پوسه گردوخاک ره شه قد بلنی پرس کرده، گاری‌تون خالون بلنی پرس کرده و اتومبیلون اتا کلاک‌دار و غلیظ غبار شه په رامبدانه. غبار هنیشتن گدر دراز و کشار بی‌یه.

فیروز مازندرانی: آن چه در پی آمده، بخش‌های اولیه رمان "خوشه‌های خشم" اثر جان اشتاین بک است که به زبان مازندرانی برگردان شده است.

خوشه‌های خشم (به انگلیسی of wrath The Grapes) در محکومیت بی‌عدالتی و روایت سفر طولانی یک خانواده تنگدست آمریکایی است که به امید زندگی بهتر از ایالت اوکلاهما به کالیفرنیا مهاجرت می‌کنند، اما اوضاع آن‌گونه که

آن‌ها پیش‌بینی می‌کنند پیش نمی‌رود. اتفاقات این رمان در دهه چهل میلادی روی می‌دهد.

جان اشتاین بک این رمان را در سال ۱۹۳۹ منتشر کرد. وی برای نگارش این رمان برنده جایزه پولیتزر شد. این رمان هم اکنون جزو چهل اثر کلاسیک سده بیستم به‌شمار می‌آید. مجله تایم نیز این رمان را در فهرست صد رمان برتر انگلیسی زبان از سال ۱۹۲۳ تا سال ۲۰۰۵ جای داده است.

جان فورد در سال ۱۹۴۰ فیلمی با همین نام با هنرپیشگی هنری فوندا بر اساس داستان این کتاب ساخته است.

این کتاب در ایران توسط شاهرخ مسکوب -نویسنده اهل بابل- و عبدالرحیم احمدی و عبدالحسین شریفیان به فارسی ترجمه شده است.

با این متن برگردان شده خواستم بگویم می‌توان زبان نیمه‌جان مازندرانی را بدین گونه نیز حفظ کرد و برخی متون ادبیات ایران و جهان را به این زبان برگردان و ماندگار کرد. آخرین وارثونی که تیم تیم اوکلاهما سرخ و اتی خری بنه‌تون سر بکنی بینه، نتونسنه لا بخرده بنه ره کل هاکنن. ازالون کیله‌تون ره ورینه و ای ورینه. آخرین وارثون اتا خله کندم ره نوج بزونه و اتا خله‌هی دله علف ره خط پلی گت هاگردنه.

لس لس خری و سرخ سیو بنه‌تون اتا سوز جمه بن نادیار



عکسی از جایگذاری دوباره مجسمه‌های

اسب در میدان امام ساری و یک پرشش

یکی از مخاطبان مازندنومه عکسی را از جایگذاری دوباره اسب‌های میدان امام در میدان خزر ساری که توسط شهردار جدید ساری انجام شده است، به همراه قطعه‌ای کوتاه از نوشته‌های زنده‌یاد نادر ابراهیمی ارسال کرده و در انتها یک سؤال از متولیان امور پرسیده است:

«عزیز من!

زندگی بدون روزهای بد نمی‌شود،

بدون اشک و درد و خشم و غم.

اما روزهای بد همچون برگ‌های پاییزی

باور کن

که شتابان فرو می‌ریزند

و زیر پای تو اگر بخواهی استخوان می‌شکنند

و درخت استوار و مقاوم بر جای می‌ماند

عزیز من

برگ‌های پاییزی

بی‌شک در تداوم بخشیدن به مفهوم درخت

و مفهوم بخشیدن به تداوم درخت

سهمی از یادنرفتنی دارند...

نادر ابراهیمی (از نامه‌های کوتاه او به همسرش)

یک پرسش: اگر وجود مجسمه‌های اسب اشکال داشت (که اعلام شد این گونه است) چرا دوباره در میدانی دیگر نصب شد و اگر خالی از اشکال بود، چرا آن روز از میدان امام جمع شد؟!

تعریض کندوان

آیا آزاد راه به تاریخ می‌پیوندد؟

محمد حسین ملایی کندلوسی: جاده ۵۹، معروف به جاده چالوس یکی از مهمترین جاده‌ها برای مردم تهران و کرج است که از میان شهر کرج در استان البرز شروع و به شهر چالوس در کرانه دریای خزر وصل می‌شود. برخی این جاده را یکی از زیباترین جاده‌های جهان می‌دانند.

به نوشته ویکی‌پدیا، تا اواخر دوره قاجار، جاده‌ای بین کرج - چالوس وجود نداشت و تنها یک مسیر خاکی و مالرو، راه دسترسی به روستاهای این منطقه را تشکیل می‌داد.

این جاده در سال ۱۳۱۲ مورد بهره‌برداری قرار گرفت. از این زمان به بعد، انواع رستوران‌ها و واحدهای اقامتی و پذیرایی در کنار این جاده شکل گرفت و با ساخت سد امیر کبیر (سد کرج) در سال ۱۳۴۰ به جاذبه‌ها و زیبایی‌های این جاده افزوده شد و در اندک زمانی این جاده به یکی از تفریحگاه‌های مهم گردشگری ایران تبدیل شد.

به نقل از گفته‌های شفاهی از مردم قدیم، کارگران را برای کندن این تونل در دل کوه (چون کندن تونل کندوان آن هم بدون تجهیزات کار بسیار سخت و دشواری بود) با یک سکه پنج‌ریالی که در آن زمان ارزشمند بود تشویق می‌کردند و گفته می‌شود به ازای هر کلتگ پول داده می‌شده است.

تونل کندوان در اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۴ شمسی ساخته شده و تونلی است به مسافت یک هزار و ۸۸۶ متر و عرض پنج‌الی هفت و ارتفاع شش متر که کار ساخت آن چهار سال طول کشید و در سال ۱۳۱۸ به بهره‌برداری می‌رسد.

با احداث این تونل ۱۳ کیلومتر از مسیر مرکز کرج به چالوس کاسته شد، چون پیش از این برای طی این مسیر باید کوه دور زده می‌شد.

تصویر مربوط به این خبر که اخیراً از جاده کندوان برداشته شده، به عملیات تعریض و به سازی این جاده مربوط است.

پرسش این است که آیا تعریض و به‌سازی جاده کندوان بدین معناست که حالا حالاها آزاد راه تهران شمال به بهره‌برداری نخواهد رسید و باید همچنان ماند؟

آیا تعریض و به‌سازی جاده کندوان بدین معناست که حالا حالاها آزاد راه تهران شمال به بهره‌برداری نخواهد رسید و باید همچنان ماند؟



گزارش ویژه

در جست و جوی هویت حقیقی

عاطفه خیرخواه: او از آینده فرار می کند، می خواهد تصویری از خود ببیند که خود حقیقی اوست؛ واقعیت نشان می دهد که او زن است اما حقیقت این است که او یک مرد است؛ حقیقتی که او سال ها پیش آن را کشف کرده. روزی که برای اولین بار احساس کرد خاله بازی را دوست ندارد و می خواهد مثل پسرهای هم سن و سالش بجنگد و نقش یک سرباز شجاع را بازی کند. دنیای او در دنیای عروسک ها و دامن چین دار زیبایی دخترانه پیدا نمی شد، تنگ برایش بهترین اسباب بازی بود و... هر روز که می گذرد حس پسرانه نهفته اش در وجودش جان می گیرد، تعارض های احساسی و... او را وامی دارد تا به مادر یا پدرش بگوید که کیست و هویتش چیست؛ دنیایی که باید برای هر روزش بجنگد، با خودش، خانواده، مدرسه، دوستان و همسالان و خلاصه اینکه با جامعه. تمام تلاشش را به کار می گیرد تا با دلیل های علمی و عملی به خانواده اش به ویژه پدر و مادرش ثابت کند که یک «دو جنسی» است و این راه، راهی بس سخت و طاقت فرسا برای اوست. برای او که همه او را دختر بابا می دانستند و حالا باید بپذیرند که دردانه پدر، پسر است که باید باورش کرد و برایش زندگی جدید را در دنیایی که سال هاست با آن خو گرفته و به آن تعلق دارد، فراهم آورند. او می خواهد خود حقیقی اش را به همه معرفی کند اما برای او که در خانواده ای کاملا سنتی زندگی می کند کاری بس دشوار است؛ سراغ فتوهای موجود می رود، فتوایی که فقیه عادل و جامع شرایط صادر کرده و برای خانواده اش نیز قابل وثوق است را ملاک قرار و نمونه هایی که وجود داشته را نشان می دهد. بالاخره این دلایل و تلاش ها به جایی می رسد که خانواده می پذیرند او یک دو جنسی است که می تواند از همراهی آنها، البته با تردیدی که در دل دارند، برای تغییر جنسیت خود و رسیدن به هویت حقیقی اش بهره مند باشد. اما این تمام ماجرا نیست؛ هنوز هم هستند افرادی که با تمام این دلایل نتوانستند خانواده خود را راضی کنند که یک دو جنسی اند و در برزخ تن، گرفتارند.

اینها مقدمه ای بود بر یک گزارش؛ موضوعی که برای پرداختن به آن به بیمارستان پارس و نزد دکتر شهریار کهن زاد رفتم؛ پزشکی که سال ها دانش و تجربه خود را در اجرای روش های جراحی هایی نهاد که بتواند در خارج کردن افراد سرگردان از وجود خویش، راهگشا باشد. دکتر کهن زاد پورد تخصصی در جراحی کلیه، مجاری ادراری، تناسلی و ناباروری دارد. تخصص ویژه او در درمان اختلالات و ناتوانی های جنسی از دانشگاه کالیفرنیا سانفرانسیسکو

است. از دکتر شهریار کهن زاد از خصوصیات افراد «دو جنسی» و وجه تمایز آن با افراد «همجنس گرا»، مشکلات موجود سر راه این افراد و... پرسیدیم و او هم با حوصله، در ۲ جلسه گفتگو، به سوالات ما پاسخ گفت.

* فتوایی که انقلابی در دنیا به پا کرد تهران پایتخت جراحی های تغییر جنسیت در دنیا است و این مهم را هم و امادر فتوای امام خمینی (ره) است که به نوعی «ابتکار فقهی» محسوب می شود. امام خمینی (ره)، در جلد دوم کتاب فقهی - فتوایی تحریر الواسطه، در بخشی با عنوان «مسائل مستحدثه»، در سال ۱۳۴۳ به این مباحث پرداخته اند و به عنوان اولین فقیه و دانشمندی که مسائل فقهی و حقوقی تغییر جنسیت را مطرح کردند، انقلابی در فتوهای فقهی و حقوقی در زمینه تغییر جنسیت به وجود آوردند. سال ۱۳۴۲ شخصی به نام «فریدون» با تلاش فراوان خدمت امام خمینی (ره) رسید و اختلال هویت جنسی خود را برای ایشان توضیح داد و کسب تکلیف کرد. امام راحل هم در فتوایی که مکتوب است فرمودند: «عمل تغییر جنسیت زیر نظر طبیب متخصص از نظر شرعی اشکال ندارد». بعد از چند سال هم فتوای تغییر جنسیت یک ترانس سکسوال (فرد دو جنسی) را صادر کردند. به این ترتیب با صدور این فتوا، روند تغییر جنسیت در ایران قانونی شد و این افراد می توانند با گذراندن مراحل قانونی و دریافت مجوزهای قانونی پس از تاییدهای پزشکی، جراحی تغییر جنسیت را انجام دهند.

* بیمارستان پارس، قلب جراحی های تغییر جنسیت بیمارستان پارس، پشت ساختمان اصلی (بلوار کشاورز) در خیابان رستاک (خیابان شمالی بلوار) ساختمان دوم بیمارستان، کلینیک دکتر کهن زاد؛ اولین سوال، تفاوت دو جنسی ها با همجنس گراها بود.

ادامه این گزارش در پایگاه خبری - تحلیلی مازندنومه به نشانی www.mazandnume.com آمده است.



مازندنومه: شامگاه پنج شنبه گذشته به طور اتفاقی، بابک شمس و قاسم احمدی لاشکی - نماینده مردم چالوس و نوشهر و نماینده معین رامسر و تنکابن - را در ساری ملاقات کردم. ساعتی با هم نشستیم و گپ زدیم و چون در حوزه انتخابیه اش، جلساتی داشت، چند سؤال از احمدی پرسیدم و او هم صادقانه و شفاف پاسخ داد و رفت. در آخر گفت و گو از ضعف مجمع نمایندگان استان و فشل بودن مجمع پرسیدم که احمدی پذیرفت و گفت: برنامه های در این باره دارد که بعداً «رسانه ای می کند».

احمدی: استاندار مازندران زحمت کشید و به مدیران کل دستور داد روزهای دوشنبه در غرب استان حضور داشته باشند. طبیعی است که تاسیس استان جدید هزینه دربر دارد، اما این ۵۰۰ میلیارد تومان هزینه زیادی برای تاسیس یک استان نیست. به عقیده من بودجه ای که برای تاسیس یک فرمانداری هزینه می شود بیشتر از هزینه تاسیس یک استان است، چراکه

ان شاء الله نیت بر خیر بوده و تصور نمی کنم برگزاری مراسم روز مازندران در غرب استان، سیاسی بوده باشد / ۵۰۰ میلیارد تومان هزینه زیادی برای تاسیس یک استان نیست / بودجه ای که برای تاسیس یک فرمانداری هزینه می شود بیشتر از هزینه تاسیس یک استان است / به مسئولان وزات کشور گفتیم چرا زلزله آذربایجان را برجسته کردید و در سیل بهشهر کم کاری می کنید؟

تاسیس یک استانداری به معنای این است که اداراتی در منطقه وجود دارند و باید بین آنها هماهنگی ایجاد شود اما برای تاسیس فرمانداری، ادارات و دستگاه هایی باید ایجاد شوند.

آیا ایجاد شهر و شهرستان جدید که آقایان آن را دنبال می کنند، هزینه ندارد اما ایجاد استان هزینه دارد؟ همین ماموریتی که استاندار به مدیران دستگاه ها برای حضور در غرب استان می دهد، هزینه سوخت، هزینه پذیرایی و هزینه های جنبی که سالانه رقم قابل توجهی می شود، این هزینه ها را حذف کنند و به جای آن یک استان تاسیس کنند؛ هر چند نام مازندران برای من مقدس و مبارک است و هیچگاه دوست ندارم این واژه حذف یا کوچک شود.

شجاعی کیاسری:

رسانه مال پدر کسی نیست!



مازندنومه: سید رمضان شجاعی کیاسری با حضور در نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاری ها، با inn گفت و گو کرد و انتقادهای تندى را از عملکرد رسانه ملی ارایه داد. برگزیده اظهارات نماینده ساری، سخنگوی فراکسیون رهران ولایت و نماینده مجلس در هیات نظارت بر صدا و سیما در پی می آید:

* نظارت بر صدا و سیما دستور جلسه دارد و ساز و کاری است که بخشی از آن نظارت مستمر و به صورت هرروزه انجام شده و هر هفته اعلام می شود. اعتراضات مطرح به شکل و محتوا در جلسه با حضور مسئولان، معاونان صدا و سیما و گاهی نیز با حضور ضرغامی مورد بررسی قرار می گیرد.

* آخرین جلسه ما در ارتباط با نحوه نظارت بود، نظارتی که اداره کل نظارت صدا و سیما دارد. تلاش کردیم، ببینیم نظارت قبل، هنگام یا بعد از پخش است، اما متأسفانه در کمال شگفتی مشاهده شد همه نظارت ها به بعد از پخش، مربوط می شود و این در حالی است که باید نظارت، قبل از پخش باشد.

* ما به عنوان نمایندگان مجلس به نحوه پرداخت صدا و سیما اعتراض داریم.

* می گویند صدا و سیما یک لیست سیاه درست کرده و بعضی از افراد را از گردونه حضور در صدا و سیما خارج کرده است.

* از مجموعه نمایندگان به شکل احسنت استفاده نمی شود، صدا و سیما رسانه ملی است نه میلی که متأسفانه فضای بسته و منقبضی در صدا و سیما به وجود آمده که برای آینده کشور بسیار خطرناک است و البته این موارد را ما تذکر داده ایم.

* برای اکثر نخبگان، سینماگران و هنرمندان در صدا و سیما محدودیت هایی ایجاد شده است، رسانه ملی متعلق به همه است و باید فضایی باز بشود که همه بتوانند اظهار نظر کنند.

* بعضی از اظهار نظرها در صدا و سیما در کمال کج سلیقگی انجام می شود و مشخص است رسانه ملی در پرداختن به مسایل اساسی کم آورده و به مسایل خیلی ناچیزی رو آورده است. من اینها را نمی پسندم و معتقدم رسانه ملی، باید برای خودش برنامه های کوتاه مدت، بلند مدت و جامع داشته باشد و به موضوعات اساسی که در حال حاضر جزو مشکلات اصلی مردم است، رسیدگی کند.

* به بحث اقتصاد مقاومتی در صدا و سیما کم توجهی

در گفت و گو با نماینده نوشهر و چالوس مطرح شد

نام مازندران برایم مقدس است

تصور می کنم بخشی از کوتاهی ها از جانب خود غرب استانی ها باشد که در رسانه های مرکز استان حضور ندارند. مثلاً در واحد موسیقی صدا و سیما ما فقط سه-چهار قطعه موسیقی غرب استانی داریم؛ خوب نمی توان گفت آقا خوشرو، آقای عالمی، آقای رستگار و... بیا برو رامسری بخون! هنرمندان غرب استان چه تعداد کار و موسیقی ارائه دادند که رسانه استانی نسبت به پخش آن اقدام نکند؟ یا کی از جشن ها و همایش ها و برنامه های تان کار فرستادید که ما نادیده گرفتیم؟ به نظرم بعضی از این ضعف ها از جانب شماست که بعد اعتراض می کنید به ما نمی پردازید.

احمدی: حق با شماست، بخشی از این کوتاهی ها را می پذیرم، زمانی که فرماندار بودم برای رادیو دریای چالوس مبلغی اختصاص دادم، سال گذشته هم از محلی مجزا، ۳۰۰ میلیون تومان اعتبار برای تقویت رادیو دریا پرداخت کردیم.

اما باید بگویم اجماعی که در حال حاضر وجود دارد و فضایی که ایجاد شده در گذشته نبود و پیش بینی می کنم آن ضعف ها از این به بعد وجود نخواهد داشت و همکاری ها بیشتر می شود.

می پذیرم که کمی از این ضعف ها به ما و کمبودهای غرب استان برمی گردد، هر چند که کمبودها دلیل بر نبود استعداد نیست، ظرفیت ها و استعداد های فرهنگی، هنری فراوانی در غرب مازندران وجود دارد.

سیل کلاردشت بسان سیل بهشهر بود و شاید مغرب تر از آن، اما به نظر می رسد موضوع سیل کلاردشت مخموم و مظلوم تر واقع شد. تفاوت این دو سیل و وقایعی از این دست در چیست؟ احمدی: به نظر من مهر شرق استانی ها باید بیش از این به غرب استانی ها باشد. در قضیه سیل بهشهر در تمامی مصاحبه ها اعلام کردم باید به بهشهر رسیدگی شود.

در قضایای این چنینی و مسایل مربوط به نوع دوستی نباید جزیره ای فکر کنیم. حتی در جلسه ای که در وزارت کشور برگزار شد از این موضوع دفاع کردم و گفتیم به داد بهشهر برسید و به مسئولان وزات کشور گفتیم چرا زلزله آذربایجان را برجسته کردید و در سیل بهشهر کم کاری می کنید؟

هیچ وقت احساس نکردم که غرب استانی هستم و نباید با شرق استان کاری داشته باشم، انتظار دارم همکاران و دوستان من هم در وقایع این گونه همکاری داشته باشند؛ البته اخیراً اوضاع بهتر شده و در بحث آژاداره تهران شمال، همه نماینده های استان زحمت می کنند و پیگیری می کنند.

فتوکاتور مازندنومه

عکس: محمد حسین ملایی کندلوسی



یک مدرسه، چند دانش آموز و باقی قضایا!

این جایک کلاس است؛ اما چه کلاسی؟

- کلاس شبانه؟ - نه!!

- کلاس دوره کارشناسی ارشد؟ - باز هم نه!!

- جلسه انجمن اولیا و مربیان مدرسه؟ - خیر!!

بقیه عکس ها را تماشا کنید، می فهمید!!

امتحان دانش آموزها شروع شده، اما چه امتحانی؟

- امتحان کار فارسی اول ابتدایی؟ - نه!!

- تکرار آزمون دستیاری پزشکی (این بار بدون تقلب)؟ - باز هم نه!!

- دانش آموزان در حال پر کردن فرم های وام ۳ میلیون

تومانی خرید کالا هستند؟ - خیر!!

بقیه عکس ها را تماشا کنید، می فهمید!!

آقا معلم در حال تذکر به دانش آموزی که سر جلسه امتحان

با خود موبایل آورده و مشغول تقلب است!!

بله دیگه...! این جانه کلاس درس است و نه آزمونی در حال

برگزاری است؛ تصاویر، مدرسه ای را در مرزن آباد نشان می

دهد که مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران در حال

ایراد سخنرانی برای خبرنگاران است.

حجت الاسلام والمسلمین ابراهیمی ثابت کرد که مکان و

زمان اصلاً "برایش مهم نیست و او هر جا گوشی بیاید برای

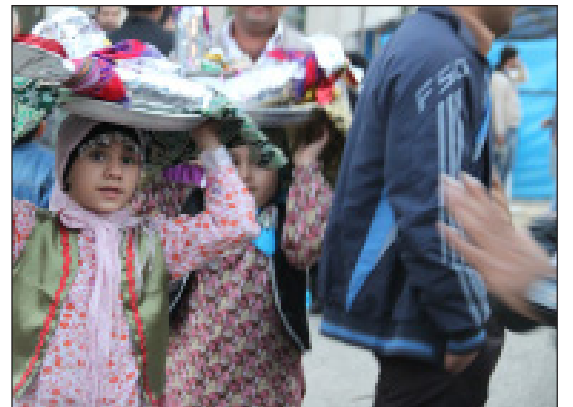
شان حرف می زند، حتی اگر در دورترین مناطق استان و روی

نیمکت های مدرسه باشد.

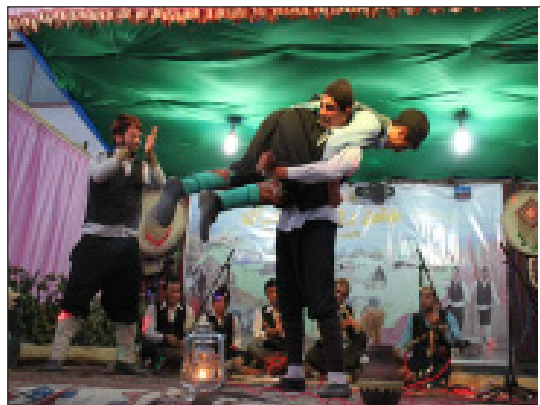


گزارش تصویری مازندنومه از جشن روز مازندران - مرزن آباد: ۱۴ آبان ۱۳۹۱

عکس: محمد حسین ملایی کندلوسی



جشن روز مازندران با استقبال مردمی و حضور مدیر کل ارشاد اسلامی مازندران نماینده مردم چالوس و نوشهر در مجلس شورای اسلامی، امام جمعه نوشهر، چالوس و مرزن آباد در شهر مرزن آباد برگزار شد.



در این جشن فرهنگی که به همت فرمانداری چالوس و مسئولان مرزن آباد در شهر مرزن آباد برگزار شد، حجت الاسلام عباسعلی ابراهیمی مدیر کل ارشاد اسلامی مازندران در خصوص اهمیت این روز گفت: امروز گرد هم آمدیم تا نسبت به نیاکان خود پیمان ببندیم که این جشن ها به معنی آن است که مردم ما می توانند در مکتب تشیع و حکومت شیعی و در ولای ولی امر مسلمین باشند. و باید پیروی از خون شهدا و تجدید بیعت با اجداد و نیاکان ما که تاریخ حکومت علویان را به همراه خود دارند سرلوحه کارهایمان قرار گیرند.

جشن روز مازندران؛ پاسداشت تاریخ اجدادی